

# تقابل آوايي ميان زبان فارسي و عربي و لهجة عراقى

## التقابل الصوتي بين الفارسية و العربية و اللهجة العراقية

### *Phonetic contrast between Persian and Arabic*

### *language and Iraqi dialect*

الباحث: حيدر علي خشان الجنابي(\*)

*Researcher: Haider Ali Khashan Al-Janabi*

أ م د. انور عباس مجيد

*Assistant Professor Dr. Anwar Abbas Majeed*

*wadi\_alsalam76@yahoo.com*

009647700231976

## ملخص

إن طريقة نطق الأصوات، وطريقة إنتاجها ونطقها في استخدام كلمات اللغة، هي إحدى السمات الأساسية لتمييز هذه اللهجة عن اللهجات الأخرى أو عن اللغة الرئيسية. وهذه هي أبرز العوامل التي تفرق بين اللهجات.

ولذلك ينبغي أن نبدأ بشرح موجز عن تطور نظام الكتابة في اللغة العربية. الخط العربي مشتق من الخط النبطي، الذي أخذ الأنباط أبجديتهم من النص الفينيقي. في بداية الساميين، لم يفهموا علامات تفسير حروف العلة. وبالتالي، كان الخط المرسوم من قبل مقطعيًا، مما يعني أن كل رمز يمثل حرفًا ساكنًا وحرفًا متحركًا. وفي زمن نزول القرآن، وبعيداً عن الخط النبطي، كان هناك خط آخر يسمى المسند في جزيرة العرب، وكان يحتوي على ٢٩ رمزاً، ولكنه كان يكتب منفصلاً وكانت الكلمات منفصلة عن بعضها البعض. وبعلامة ترقيم، ثم بأمر الخليفة الثالث، كتبوا القرآن بالخط الكوفي، وهو

(\*) جامعة/كلية اللغات/قسم اللغة الفارسية و آدابها

مستمد من الخط النبطي ويفتقر إلى النقاط والحركات، وهو ما كان سببا في اختلاف طريقة قراءة المصحف. القرآن. ثم عدل أبو الأسود الدولي هذا الخط ووصل إلى شكله الحالي. مع بعض التغييرات، تم أخذ النص الفارسي من النص العربي ويتم كتابته من اليمين إلى اليسار. يتكون النص الفارسي من اثنين وثلاثين حرفاً، ثمانية وعشرون حرفاً منها باللغة العربية. لأنه لا يوجد في اللغة العربية أربعة أحرف (س، ج، غ، غ). ثمانية حروف (س، ح، زاء، س، زاء، ت، زاء، آل) لكل منها صوت خاص باللغة العربية، لكنها مخفية في الفارسية. الحرفان (W, y) لهما وظيفة مزدوجة، أي أنهما يعطيان علامة متحركة وعلامة ساكنة. اللغة الفارسية عادة مثل اللغة العربية، التي لا يوجد بها حروف خاصة لحروف العلة القصيرة، ولكن في اللغة العربية يتم تمييزها بعلامة، أما في الفارسية فلا تكتب علامة إطلاقاً. لذلك، للحصول على قراءة دقيقة، ينبغي استخدام النظام الصوتي أو الصوتي. **كلمات مفتاحية:** الأصوات، اللهجات، الخط النبطي، النص الفينيقي، الخط الكوفي.

## Summary

The way of pronouncing sounds ,the way of producing and pronouncing them in using the words of a language ,is one of the basic characteristics of creating a distinction between this dialect and other dialects or with the original language .These are the most prominent factors that differentiate between dialects.

Therefore ,it should be started with a brief explanation about the evolution of the writing system of the Arabic language .The Arabic script is derived from the Nabataean script ,which the Nabataeans took their alphabet from the Phoenician script .At the beginning of the Samians ,they did not understand signs to explain the vowels. Therefore ,the line that was drawn before was syllabic ,which means that each symbol represents a consonant and a vowel .At the time of the revelation of the Holy Qur'an ,other than the Nabataean script, there was another writing system in the Arabian Peninsula ,as the Musnad script.It also had 29 signs ,but it was written separately and the words were separated by a punctuation mark .Then ,by the order of the third caliph ,the Quran was written in the Kufi script ,which was derived from the Nabataean script and lacked dots and movements ,which was the reason for the differ-

ence in the way of reading the Quran .Then this line was modified by Abu al-Asud al-Dueli and reached its current form.

With a few changes ,the Persian script is taken from the Arabic script and is written from right to left .The Persian script has thirty-two letters ,twenty-eight of which are Arabic .Because there are no four letters) P ,Ç ,G ,G (in Arabic .Eight letters) th ,h ,za ,s ,za ,t ,za ,a (each of these have a special sound in Arabic ,but they are hidden in Persian .The two letters) y ,W (have a dual function ,i.e .they give both a vowel sign and a consonant sign .The Persian language is usually like the Arabic language ,which does not have special letters for short vowels ,but in the Arabic language ,they are indicated by gestures ,but in Persian ,gestures are not written at all .Therefore ,phonetic or phonetic system should be used for accurate reading.

**Keywords :**sounds ,dialects ,Nabataean script ,Phoenician script ,Kufic script.

## خلاصه

نحوه تلفظ آواها، نحوه تولید و تلفظ آنها در استفاده از کلمات یک زبان، از ویژگی های اساسی ایجاد تمایز بین این گویش با سایر گویش ها یا با زبان اصلی است. اینها برجسته ترین عواملی هستند که بین گویش ها تفاوت قائل می شوند.

بنابر این باید با توضیح مختصری در مورد سیر تحول نظام نوشتاری زبان عربی آغاز شود. خط عربی از خط نبطی گرفته شده است که نبطی ها الفبای خود را از خط فنیقی گرفته اند. در آغاز سامیان، آنها نشانه هایی را برای توضیح مصوت ها نمی فهمیدند. بنابر این، خطی که قبلاً ترسیم می شد هجایی بود، به این معنی که هر نماد نشان دهنده یک صامت و یک مصوت است. در زمان نزول قرآن، غیر از خط نبطی، خط دیگری به نام مسند در جزیره العرب وجود داشت که ۲۹ علامت داشت، ولی جدا نوشته می شد و کلمات از هم جدا می شد. توسط یک علامت نقطه گذاری سپس به دستور خلیفه سوم، قرآن را به خط کوفی که برگرفته از خط نبطی و فاقد نقطه و حرکت بود، نگاشتند که دلیل تفاوت در نحوه قرائت قرآن بود. سپس این خط توسط ابوالاسود الدولی اصلاح شد و به شکل فعلی رسید.

با اندکی تغییرات، خط فارسی از خط عربی گرفته شده و از راست به چپ نوشته می شود. خط فارسی سی و دو حرف دارد که بیست و هشت حرف آن عربی است. زیرا در زبان عربی چهار

حرف (ص، چ، گ، غ) وجود ندارد. هشت حرف (ث، ح، زاء، س، زاء، ت، زاء، الف) هر کدام در زبان عربی صدای خاصی دارند، اما در فارسی پنهان هستند. دو حرف (y، w) عملکرد دوگانه دارند، یعنی هم علامت مصوت و هم علامت صامت می دهند. زبان فارسی معمولاً مانند زبان عربی است که حروف خاصی برای مصوت های کوتاه ندارد اما در زبان عربی با اشاره مشخص می شوند اما در فارسی اشاره اصلاً نوشته نمی شود. بنابراین برای خواندن دقیق باید از سیستم آوایی یا آوایی استفاده کرد.

کلیدواژه ها: آواها، گویش ها، خط نبطی، خط فنیقی، خط کوفی.

### پیشگفتار

شیوه تلفظ آواها، روش تولید و ادای آن در استفاده از کلمات یک زبان، یکی از صفات اساسی ایجاد تمایز میان این لهجه و لهجات دیگری یا با زبان اصلی می‌داند. که این برجسته ترین عوامل ایجاد تمایز بین لهجات بشمار می روند.

بدین رو باید با توضیح مختصری درباره تحول نظام نوشتاری زبان عربی آغاز شود. خط عربی از خط نبطی گرفته که نبطی ها خط الفبایی خود از خط فنیقی اخذ کرده بودند در آغاز سامیان به علائمی برای توضیح واکه ها متوجه نبودند. لذا خطی که قبلاً وضع شد هجایی بود یعنی هر علامت به یک همخوان و یک واکه نشان می دهد. در زمان نزول قرآن

کریم جز خط نبطی نظام نوشتاری دیگر در جزیره العرب، بعنوان خط مسند بود. آن هم بیست و نه نشانه داشت اما به صورت جدا جدا نوشته می شود و کلمات بوسیله علامت ممیزی میان جدا می شدند. سپس به دستور خلیفه سوم قرآن بوسیله خط کوفی نوشته شد که همان از خط نبطی گرفته و فاقد نقطه و حرکت بود که بهمین دلیل اختلاف در شیوه قرانت قرآن شد. سپس توسط ابو الاسود الدوئلی این خط اصلاح شد و به صورت امروزی رسید.

با تغییرات اندکی خط فارسی از خط عربی گرفته شده و از راست به چپ می نویسد خط فارسی بدون همزه سی و دو حرف دارد که بیست و هشت حرف از آن عربی هستند. چون چهار حرف (پ، چ، گ، ژ) در عربی وجود ندارند. هشت حرف (ث، ح، ذ، ص، ض، ط، ظ، ع) هر یک از اینها در زبان عربی صدای خاصی دارد اما در فارسی حشو هستند. دو حرف (و، ی) وظیفه دوگانه دارند یعنی هم نشانه مصوت و هم نشانه صامت می دهند. زبان فارسی معمولاً مثل زبان عربی که حروف خاصی برای مصوتهای کوتاه ندارد اما در زبان عربی برای آنها به وسیله حرکات نشان می دهند اما در فارسی اصلاً حرکات نوشته نمی شود. لذا برای خواندن دقیق از نظام آوا نگاری یا واج نگاری استفاده شود.

شیوه تلفظ آواها، روش تولید و ادای آن در استفاده از کلمات یک زبان، یکی از صفات اساسی ایجاد تمایز میان این لهجه و لهجات دیگری یا با زبان اصلی می‌داند. که این برجسته ترین عوامل ایجاد تمایز بین لهجات بشمار می

رود(رک.انیس, ۱۹۹۲: ۱۷). تصمیم شد که با بررسی خصایص آوایی شروع شود.

## خصایص آوایی دو زبان عربی و فارسی

قبل از ابتدا به موضوع پژوهش, باید مروری کوتاه بر پیشینه نظام نوشتاری عربی شود. چونکه دانسته بود, که خط بعنوان ابزار ثانوی برای بیان عناصر آوایی زبان به وجود آمد. که خط نگاران قدیم عرب در اول تمایزی بین صورت مکتوب بعنوان حرف و صورت ملفوظ بعنوان صوت نداشتند(رک.حق بین, ۱۳۹۲: ۹۶).

دکتر مهری باقری در این زمینه می نماید (خط نشانه محسوس و دیداری نظام ذهنی زبان است و به عنوان ماده ای که نظامهای آوایی را در خود منعکس می سازد با زبان ارتباط می یابد لذا زبان که یک پدیده ذهنی واحد است دو تظاهر و نمود مادی متفاوت دارد که یکی گفتاری و شنیداری و دیگر نوشتاری)(باقری, ۱۳۷۸: ۷۹).

بدین رو باید با توضیح مختصری درباره تحول نظام نوشتاری زبان عربی آغاز شود. خط عربی از خط نبطی گرفته که نبطیها خط الفبایی خود از خط فینیقی اخذ کرده بودند در آغاز سامیان به علائمی برای توضیح واکه ها متوجه نبودند. لذا خطی که قبلا وضع شد هجایی بود یعنی هر علامت به یک همخوان و یک واکه نشان می دهد. در زمان نزول قرآن کریم جز خط نبطی نظام نوشتاری دیگر در جزیره العرب, بعنوان خط مسند بود. آن هم

بسیست ونه نشانه داشت اما به صورت جدا جدا نوشته می شود و کلمات بوسیله علامت ممیزی میان جدا می شدند. سپس به دستور خلیفه سوم قرآن بوسیله خط کوفی نوشته شد که همان از خط نبطی گرفته و فاقد نقطه و حرکت بود که بهمین دلیل اختلاف در شیوه قرائت قرآن شد. سپس توسط ابو الاسود الدوئلی این خط اصلاح شد و به صورت امروزی رسید(رک. حق بین, ۱۳۹۲: ۹۸-۱۰۱).

با تغییرات اندکی خط فارسی از خط عربی گرفته شده و از راست به چپ می نویسد خط فارسی بدون همزه سی و دو حرف دارد که بیست و هشت حرف از آن عربی هستند. چون چهار حرف (پ, چ, گ, ژ) در عربی وجود ندارند. هشت حرف (ث, ح, ذ, ص, ض, ط, ظ, ع) هر یک از اینها در زبان عربی صدای خاصی دارد اما در فارسی حشو هستند. دو حرف (و, ی) وظیفه دوگانه دارند یعنی هم نشانه مصوت و هم نشانه صامت میدهند. زبان فارسی معمولا مثل زبان عربی که حروف خاصی برای مصوتهای کوتاه ندارد اما در زبان عربی برای آنها به وسیله حرکات نشان می دهند اما در فارسی اصلا حرکات نوشته نمی شود. لذا برای خواندن دقیق از نظام آوا نگاری یا واج نگاری استفاده شود(رک. ماهوتیان, ۱۳۷۸: ۱۲-۱۳)

خطوط الفبایی جهان به دو گروه منقسمند(رک. باقری, ۱۳۷۸: ۸۷):  
گروه اول- خطوطی که مانند یونانی و لاتینی که کل آوای زبان حروف مشخصی دارند.

گروه دوم- خطوطی مانند عربی و فارسی که حرف مشخصی برای نشان دادن واکه های کوتاه ندارند.

## مشکلات نوشتاری دو زبان عربی و فارسی

مشکلات نوشتاری زبان عربی به دو گروه منقسمند (رک. حق بین، ۱۳۹۲: ۱۰۱-۱۰۲).  
**گروه اول-** یک آوا با چند نشانه نوشته می شود؛ همخوان همزه که به چند صورت نوشته می شود. همزه در ترکیب با الف و فتحه و کسره و ضمه می آید (اکرام، أمر، اولنک) یا در مواضع پایانی کلمات با مصوتها آمده است مانند (بریء، بدأ، کفو).  
مصوت بلند (â) که به چند صورت نوشته می شود که به صورت کوتاه بالای حرف نوشته می شود مانند کلمه (رحمن) و بعضی حالات با الف اصلی می آید مانند (و انذرنا) یا همراه واو مانند (زکوة).

**گروه دوم:** چند آوا با یک حرف نوشته می شوند؛ مانند واو (و) در کلمات (والذین، قلوب، قوم) به سه آوا /w/, /ü/, /ai/ نشان می دهد. همین طور حرف یاء (ی) در کلمات (یوم، میقات، حی) به سه آوا /y/, /i/, /ai/ نشان می دهد. بدین رو حروف عله (ا، و، ی) اساس این مشکلات می دانند. حروف (و، ی) سه صورت آوایی دارند، اول به شکل همخوان، دوم به شکل مصوت، سوم به صورت مصوت مرکب می آیند.

اما مشکلات نوشتاری در زبان فارسی بیشتر از مشکلات خط عربی می دانند (ر. ک، افراشی، ۱۳۹۷: ۴۷-۴۸):

یک واج چند حرف دارد این اشکالی در زبان عربی وجود دارد اما در فارسی به صورت وسیع تر مشاهده می شود مثلاً؛ واج /t/ به دو حرف (ت، ط)، یا واج /z/ به چهار حرف (ذ، ظ، ض، ز)، یا واج /s/ به سه حرف (س، ص، ث)، یا واج /h/ به دو حرف (ح، ه)، یا واج /ʔ/ به دو حرف (ء، ع)، نوشته می شوند.

در موارد دیگری هم مانند خط عربی، در مقابل چند واج یک حرف نوشته می شود مانند حرف (ی) که در مقابل دو واج /y/, /i/ نوشته می شود، یا حتی ممکن است حرفی بدون واج نوشته می شود مانند حرف واو (و) که به سه واج /o/, /v/, /ü/ نشان میدهد و ممکن است در کلمات نوشته میشود و واج نداشته باشد چون در وقتیکه حرف واو میان دو حرف خاء و الف یا خاء و یاء می آید ملفوظ نباشد و آنرا در زبان فارسی واو معدوله می نامند مانند کلمات (خویش، خواهر). همین طور حرف (ه) که در آخر بعضی کلمات نوشته می شود ولی واج ندارد مانند کلمات (شنبه، نویسه)، که برای نشان دادن وجود آن در واج نگاری به جای آن نشانه کسره می گذارند.

در حال نوشتن همان حروف میان زبان عربی و زبان فارسی چند تمایزی دارند آنرا در

**جدول زیر توضیح شوند:**



## همزه میان عربی و فارسی

سیبویه همزه را جزئی از حروف عربی که تعداد آنها نزد خود بیست و نه حرف می‌داند، در زبان عربی همزه در اول، وسط و آخر کلمه‌ها را قرار می‌گیرد، و آنرا با صدای مجزا تلفظ می‌شود (رک حق بین، ۱۳۹۲: ۱۱۱) اما در زبان فارسی در اول کلمات اصلی قرار می‌گیرد چون هیچ واژه در زبان فارسی با مصوت آغاز نمی‌شود لذا با همزه به عنوان صامت آغازی شروع شود در این کلمات همزه ملفوظ می‌شود، همین کلمات اگر در اول جمله می‌آیند همزه‌شان ملفوظ باشد اما در حالیکه در وسط یا آخر جمله قرار می‌گیرند این همزه ملفوظ نمی‌شود. بعضی کلمات که از زبان عربی قرض شده همزه در وسط یا آخر این کلمات می‌آید، این همزه را معمولاً حذف شود. ولی همزه پایانی فقط در دو مورد حذف نمی‌شود؛ اول وقتیکه همزه بعد از یک صامت می‌آید، و دیگر که حذف همزه موجب شود تا دو کلمه متفاوت به یک صورت تلفظ شود، که آنرا ایجاد خلط میان دو کلمه حاصل شود (رک، باقری، ۱۳۷۸: ۱۲۲-۱۲۴. رک، نجفی، ۱۳۷۳: ۷۸-۷۹) از این رو همزه در میان و پایان کلمه نقش ممیزی دارد و فرقی با صامتهای دیگر زبان فارسی ندارد. اما همزه آغازی در زبان فارسی نقش مرز نمای بازی می‌کند و نقش ممیزی ندارد (رک، مدرسی، ۱۳۸۷: ۴۶۴-۴۶۵).

زمینه‌آوایی اصطلاحات علمی و تعریفات زیادی دارد، برای بررسی خصایص آوایی دو زبان عربی و فارسی و تقابل آن با لهجه

عراقی، باید چند اصطلاح در این زمینه را تعریف شود تا بررسی و مقایسه روشن تر شود.

## صوت و آوا

صوت به دو شکل تعریف شود اول از روی فیزیکی؛ مجموعه ارتعاشاتی که در یک جسم پدید آید و از آن به هوا منتقل و منتشر گردد و به پرده گوش می‌رسد و شنیده شود. اما صورت دوم که از روی فیزیولوژی که بنام آوا تعریف می‌شود؛ آنرا عبارت است از صوتی که از اندام گویایی حاصل شود یعنی اصطلاح صوت عمومی تر و شامل همه اصوات اما اصطلاح

آوا منحصر به اصوات بشر که ناشی از اندام گویایی آنها می‌باشد (رک، باقری، ۱۳۷۸: ۱۰۱. رک، نجفی، ۱۳۷۳: ۴۹-۵۰).

## آوا شناسی و واج شناسی

آوا شناسی بررسی و توصیف علمی آواهای زبان از روی توانایی انسان در زمینه تولید و دریافت آواهای زبان و توصیف تار آواها، زبان و دندان در حال تولید اصوات بررسی می‌کند آوا شناسی به سه دسته تقسیم شود اول آواشناسی شنیداری، دوم آواشناسی فیزیکی یا آزمایشی، سوم آواشناسی فراگویی یا تولیدی. آوا شناسی باید در مقدمات زبان شناسی دانست چون پژوهشهای زبانی را باید به مطالعات آوایی زبان شروع کند. اما واج شناسی یعنی مطالعه اصوات به عنوان کوچکترین واحدهای زبانی که از ترکیب آنها واژه‌ها و عبارات می‌سازد، بدین رو باید از قواعد دستوری زبان استفاده شود. در این صورت

آواشناسی درباره نحوه تولید اوها بررسی می کند اما واج شناسی خصایص ترکیب و این اوها و روابط همنشینی و جانشینی میان آنها بررسی می کند (رک، افراشی، ۱۳۹۷: ۲۲-۲۷). رک، باقری، ۱۰۱: ۱۳۷۸-۱۰۲. رک، نجفی، ۱۳۷۳: ۵۴. رک، حق بین، ۱۳۹۲: (۱۰۵-۱۲۱).

## واج و حرف

به کوچکترین واحد صوتی در هر زبان، واج گفته می شود، که از ترکیب آن با دیگر واحدهای صوتی آن زبان الفاظ معنی حاصل شود؛ به صورت دیگر واج یا فونیم به کوچکترین واحد صوتی که تمایز معنایی ایجاد کند، اطلاق می شود. و در اصطلاح اهل ادب آنرا حرف می نامند (رک، مدرسی، ۱۳۸۷: ۴۱۰). در تمایز میان واج و حرف می گویند که واج نام کوچکترین واحد ملفوظ و گفتاری زبان است. که میان صورت گفتاری و شکل نوشتاری هر زبان تمایز کوچکی دارد. ولی کوچکترین واحد نوشتاری زبان حرف می نامند یعنی واج صورت ملفوظ یا گویایی زبان اما حرف صورت نوشتاری (خطی) زبان است (رک، باقری، ۱۳۷۸: ۱۱۴).

## نقشهای واج

واج در هر زبان وظایف و نقشهای متعددی دارد انرا عبارتند از (رک، نجفی، ۱۳۷۳: ۵۲-۵۳):

۱. نقش ممیز تقابلی: در حالیکه تبدیل واج با واج دیگر در محور همنشینی یا محور

جانشینی زنجیره کلام مانند تبدیل واج اول در کلمات (بار، تار، خار) تمایز معنایی ایجاد می کند.

۲. نقش تباینی: نقشی است که روی محور همنشینی عمل می کند که تقسیم کلام را به واحدهای متوالی برای شنونده آشکار می سازد.

۳. نقش عاطفی: حالت روانی و عاطفی گوینده را آشکار می سازد در حالیکه تجزیه واج ها و بیان تشدید و تخفیف این حالت را واضح شود.

## آوا نگاری و واج نگاری

در نظام جهانی برای ثبت واجها از دو دستگاه الفبایی استفاده شود؛ اول بنام آوا نگاری که تقریباً کل خصوصیتهای آوایی زبان را با دقت نشان می دهد، دوم بنام واج نگاری که نقش آواها در زبان به طور معمولی منعکس سازد اما در حال استفاده از دستگاه اول واج ها در میان قلاب [ ] و در استفاده از دستگاه دوم میان دو خط مایل / / قرار می گیرد (رک، افراشی، ۱۳۹۷: ۴۶). رک، نجفی، ۱۳۷۳: (۵۵-۵۶).

در این پژوهش از شیوه واج نگاری که ساده و نقش واجها در زبان نشان می دهد؛ استفاده خواهد شد. بدین رو باید علامت های آوایی واجها در زبان عربی و فارسی، خصوصیت و مخرج صوت آنها را در جداول توضیح شوند.



بلند	کوتاه
ā (ا)	ā (زیر) فتحه
u (و)	u (لش) ضمه
i (ی)	i (زیر) کسره

### مصوت‌های بلند و کوتاه (نجفی، ۱۳۷۳: ۵۶)

اما از نظر واجگاه آن در نظر به شکل زیر متعین:

u (و)	i (ی)	بسته
u (لش) ضمه	e (زیر) کسره	فیم بسته
ā (ا)	ā (زیر) فتحه	باز

### واجگاه‌های مصوت‌ها (همان، ۵۶)

## هجا میان عربی و فارسی

ابن سینا و خواجه نصیر الدین الطوسی هجا در کاتب‌های آنها بنام مقطع آوردند و آنرا شرح و توضیح دادند (رک، حق بین، ۱۳۹۲: ۱۴۰). هجا در زبان فارسی عبارت است از یک حوزه آوایی است که از یک مصوت با یک تاسه همخوان تشکیل شود. منظور از حوزه آوایی اینجا یعنی هجا در یک فرایند تولیدی بدون توقف تولید شود. مصوت هسته مرکزی وجود هجا به شمار می‌رود. چون در حالیکه حذف مصوت، هجا دیگر باقی نمی‌مد (رک، مدرسی، ۱۳۸۷: ۴۵۵).

با اینکه هجا از ترکیب یک مصوت با یک یا چند صامت حاصل شود تعداد هجاهای کلمه با مقدار مصوت‌های آن محسوب شود (رک، نجفی، ۱۳۷۳: ۵۹).

هجا بر طبق موضع و کیفیت مصوت آن به چند نوع منقسم گردد؛ اول هجای باز که با مصوت ختم شود، دوم هجای بسته که با صامت ختم شود، هجای بلند که مصوت آن بلند باشد، هجای کوتاه که مصوت آن کوتاه باشد (رک، باقری، ۱۳۷۸: ۱۱۷-۱۱۸). بدین صورت واضح شد که ممکن است هجای باز دو نوع بلند و کوتاه باشد و همین‌طور هجای بسته هم دو نوع بلند و کوتاه باشد.

## انواع هجای فارسی از نظر ساختمان

در زبان فارسی شش نوع هجا به شرح ذیل وجود دارد:

نوع	هجا	شرح	شماره
تکریم	CV	یک صامت + یک مصوت کوتاه	۱
باز	CV	یک صامت + یک مصوت بلند	۲
کری	CVC	یک صامت + یک مصوت کوتاه + یک صامت	۳
فکر	CVC	یک صامت + یک مصوت بلند + یک صامت	۴
فکر	CVCC	یک صامت + یک مصوت کوتاه + دو صامت	۵
فکر	CVCC	یک صامت + یک مصوت بلند + دو صامت	۶

هجاهای زبان فارسی (رک، باقری، ۱۳۷۸: ۱۱۸. رک، نجفی، ۱۳۷۳: ۵۶)

از جدول بالا بدین خلاصه میرسد که هجای فارسی لزوماً با یک صامت آغاز شود و واج دومی آنرا مصوت باشد، واج سوم هر هجا لزوماً صامت باشد، دو مصوت پشت هم نمی آیند، هجای فارسی با بیشتر از دو مصوت ختم نمی شود. اما در کلمات (عاریتی) مانند: لوستر، فولکس در (فولکس واگن) به سه صامت ختم شود چون آنها کلمات دخیل باشد و از اصل زبان فارسی نیستند (رک، نجفی، ۱۳۷۳: ۶۷-۶۸).

دکتر رمضان عبد التواب در شرح هجای عربی آنرا به عنوان (مقطع صوتی) آورده است. در شرح دقیق درباره هجا در زبان عربی، وصف انواع و تعداد آن به صورت کلی مطابق هجا در زبان فارسی آمده است (رک، عبد التواب، ۱۴۳۳هـ: ۸۹-۹۰)

### هجا و تکواژ

چنانکه قبلاً ذکر شده که هجا از یک مصوت با یک یا چند صامت تشکیل شود ولی ممکن است هجا بدون معنی باشد که آنرا کوچکترین واحد آوایی مرکب است یعنی فقط خصوصیت آوایی می نماید. اما تکواژ کوچکترین واحد زبانی معنی دار است که متشکل از یک یا چند هجا حتی ممکن است از یک واج تشکیل می شود مانند کسره اضافه و یا واو عطف باشد (رک، باقری، ۱۳۷۸: ۱۱۹-۱۲۰. رک، همان منبع قبلی، ص ۷۴-۷۵).

### واج های زبان عراقی

حروفی که در لهجه عراقی بکار می برند با حساب همزه سی و سه حرف هستند عبارتند از (رک، الترجمان، ۲۰۰۲: ۱۱):

(ء ا ب پ ت ث ج چ ح خ د ذ ر ز ژ س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک گ ل م ن و ه ی)  
هر یکی از این حروف یک صدای مجزا و بصورت واج خاصی محسوب شود. بصورت دقیق

این حروف هجا حاوی دو گروه هجایی عربی و فارسی.

با اینکه زبان فارسی حروف عربی قرض گرفته و چهار حرف فارسی به آنرا اضافه شده و از آن در نوشتن زبان فارسی بکار بردند (رک، ماهوتیان، ۱۳۷۸: ۱۲). در لهجه عراقی چهار واج مخصوص زبان فارسی هم بکار می برند.

نه حرف عربی (ث, ح, ذ, ص, ض, ط, ظ, ع, ء) که در واژه های عربی قرض گرفته شده در فارسی نقش حشو هستند و با هیچ صدایی نمی آیند (رک، همان منبع). گویشواران عراقی هر یکی از این حروف یک صدای عربی مجزا و بصورت واج خاصی بکار می برند.

بدین رو ممکن است با استفاده از جدول آوایی مخصوص زبان عربی که قبلا ذکر شده، با اضافه چهار واج مخصوص زبان فارسی؛ یک جدول آوایی برای ثبت واجهای لهجه عراقی تهیه شود. تا از آن با استفاده از نظام واج نگاری تلفظ کلمات عراقی به صورت درست و دقیق ثبت گردد.

حرف	علائق ترکی	حرف	علائق ترکی
ء	آ	ش	ش
ا	آ	ص	ص
ب	ب	ض	ض
پ	پ	ط	ط
ت	ت	ظ	ظ
ث	ث	ع	ع
ج	ج	ء	ء
ح	ح	آ	آ
خ	خ	ب	ب
د	د	پ	پ
ذ	ذ	ت	ت
ر	ر	ث	ث
ز	ز	ج	ج
س	س	ح	ح
		خ	خ
		د	د
		ذ	ذ
		ر	ر
		ز	ز
		س	س

جدول بالا علامتهای آوایی برای واجهای لهجه عراقی توضیح می دهد

### فرایندهای واجی

در تعریف فرایند واجی آمده است که هر تغییر یا دگرگونی را که بر نوع، تعداد و محل واجها یا ساختمان هجا تأثیر گذارد، فرایند واجی بشمار می رود (رک، باقری، ۱۳۷۸: ۱۲۶) در حالیکه کلمات عربی به لهجه عراقی ملفوظ شوند در بعضی واجهای آن تحولاتی حاصل گردد. لذا باید این فرایندها بادقت بررسی شوند:

## ۱- همگون سازی

آنرا عبارت است از هر دو واج همخوان و واکه یا همخوان با همخوان دیگر یا بر عکس آن یک واکه و یک همخوان در یک هجا یا یک کلمه با هم تأثیر می گذارند، از جهت صفت واج همگون و همرنگ شوند مانند کلمه (ازحام) خصوصیت واک بر بودن (ز) بر (ت) که بی واک است تأثیر می گذارد و آنرا مثل خود با خصوصیت آوایی (واک بر ساز)، لذا (ت) به (د) بدل شود، و آنرا بصورت (ازدحام) شد. همانکه در کلمه انبار واج (ب) بر واج (ن) تأثیر می گذارد و آنرا به (م) بدل کند. ولی در این مورد دو واج (ن، م) با صفت واجی غنه ای و مخرج آنها دو لبی است (رک، باقری، ۱۳۷۸: ۱۲۶-۱۲۷. رک، افراشی، ۱۳۹۷: ۵۵).

## انواع همگونی میان زبان عربی و فارسی

در زبان عربی شش نوع همگونی دارد (رک، مختار، ۲۰۰۶: ۳۷۹. رک، عبد التواب، ۱۹۹۷: ۳۱):

۱- پیش رو: واج اول بر واج دوم تأثیر می گذارد.

۲- پس رو: واج دوم بر واج اول تأثیر می گذارد.

۳- کامل: در این حالت واج کل صفت‌های واجی خود از دست می دهد، و همه صفت‌های واج دیگر میگیرد.

۴- ناقص: در این حالت واج بعضی از

صفت‌های واجی خود از دست می دهد.

۵- پیوسته: در حالیکه میان دو واج هیچ فاصله نباشد.

۶- ناپیوسته: در حالیکه مین دو واج مانعی یا فاصله باشد.

اما در زبان فارسی همین شش نوع همگونی هست ولی با اضافه یک نوع به عنوان (دو سویه) که آنرا در حالیکه دو واج با هم تأثیر می گذارند و این نوع فقط در حال صحبت کردن سریع، آشکار شود (رک، حق شناس، ۱۳۸۴: ۱۵۲. رک، افراشی، ۱۳۹۷: ۵۵).

## ۲- ناهمگون سازی

این فرایند بر عکس همگون سازی می باشد، چون دو واج هم صفت آوایی و همرنگ در یک هجا یا کلمه می آیند. برای راحت تر تلفظ شدن یکی از اینها به واج یا صفت آوایی مختلف تبدیل شود (رک، باقری، ۱۳۷۸: ۱۲۷-۱۲۸). همنشینی صامت‌ها همیشه به شبه شدن خصایص تولیدی آنها نمی انجامد، ولی گاهی وجود صامت‌ها در بعضی محیط‌های آوایی موجب می شود خصایص یک صامت هرچه بیشتر با خصایص صامت مجاورش تفاوت پیدا کند. برای مثال کلمه (درشکه) با زبان گفتاری به صورت /doroʃge/ تلفظ می گردد. چونکه صامت /s/ (س) با خصایص [لثوی، کامی، سایشی، بی واک] و صامت /k/ (ک) با خصایص [کامی، انسدادی، بی واک] معرفی می شوند. دو صامت /s, k/ با

نداشته باشد(رک، باقری، ۱۳۷۸: ۱۲۸)

#### ۴- ادغام

این فرایند آوایی عبارت است از پیوستن آوایی دو واج باهم و تبدیل آنها به واج جدید، این فرایند تاریخی که از دو واج باهم در صفت‌های آوایی شباهت دارند، از صفت‌های آوایی این دو واج، یک واج جدید می‌سازد(رک، مدرسی، ۱۳۸۷: ۱۲-۱۳). به صورت دیگر به وسیله این فرایند خصوصیت‌های آوایی دو واج در یک واج جدید جمع شوند، و این واج جدید حاوی خصایص آوایی دو واج محل آنها می‌نشیند؛ مانند کلمات (خنب، جنب، دنب) که دو واج آخر آنها یکی/ب/ همخوان دولبی است و دیگری/ن/ همخوان غنه‌ای دندانی است، به واج/م/ که خصایص دو واج دارد یعنی هم غنه‌ای و هم دولبی است، بدل گرداند که بدین صورت (خم، جم، دم) حاصل شدند(رک، باقری، ۱۳۷۸: ۱۲۹).

#### ۵- حذف

قبلا در تعریف واج آمده است که واج به معنی کوچکترین واحد صوتی ممیز معنی، اما در حالیکه در بعضی کلمات واجها در تمایز معنایی نقشی ندارند این واجها را حذف شوند. این فرایند بر واجها اول یا وسط یا آخر کلمه حاصل شود یعنی حذف واج از لحاظ موقعیت آن به سه نوع منقسم گرداند؛ اول حذف آغازی (اشکار- شکار)، (اویران- ویران)، (اگر- گر)، (انار- نار)، نوع دوم حذف میانی یا (تسکین) می‌نامند مانند (پهن- پهن)، (که- این- کین)، نوع سوم حذف پایانی مانند (نیاک- نیا)، (جوی- جو)، (پای- پا). اما نظر زبانی

خصوصیت [بی واک] شباهت دارند. ولی در جریان گفتار خصوصیت صامت [k] از بی واک به واکدار تبدیل شود و به صورت /g/ (گ) تحول شود و نا همگونی با /s/ تلفظ گردد(رک، همان منبع: ۵۷).

#### ۳- قلب

یکی از انواع دگرگون آوایی، جا به جا شدن محل دو آوا مجاور است. در اغلب موارد زیر اثر یک صامت روان و یک مصوت، این فرایند حاصل شود. این عمل میان دو صامت در یک کلمه واقع باشد بر اثر همنشینی جای خود را باهم عوض می‌کنند، به طوری که صامت اول جایگاه صامت دوم می‌گیرد و صامت دوم در جای اول می‌نشیند. این فرایند در اغلب در کلمات قرض‌گیر شده و الفاظ نا مأنوس حاصل شود(رک، مدرسی، ۱۳۸۷: ۲۸۴-۲۸۵).

فرایند قلب غالبا در گفتار عامیانه به وقوع می‌پیوندد، ولی مختص فقط به این گفتار نباشد (رک، افراشی، ۱۳۹۷: ۵۸). فرایند قلب به دو نوع منقسم گرداند؛ اول قلب دور، دوم قلب نزدیک. در نوع اول میان دو واج جا به جا شوند فاصله با یک یا چند واج باشد مانند کلمه (شروال- شلوار) که میان دو واج (ر، ل) فاصله دو واج (و، ا) داشته باشد. مانند کلمه (ملعون- منعول) در لهجه عراقی، که میان دو واج (ن، ل) فاصله دو واج (ع، و) داشته باشد. اما قلب نزدیک بمعنی میان دو واج جا به جا شوند هیچ فاصله نباشد که کنار هم قرار می‌گیرند. مانند کلمه (کهرباء- کره‌باء) در لهجه عراقی، که میان دو واج (ه، ر) هیچ فاصله

حذف به دو نوع بشمار می رود؛ اول حذف در زمانی (تاریخی) یعنی تحول زبانی طبق قواعد تاریخی خاصی که یک واحد از زنجیره های آوایی حذف شود مثلاً که واژه ها در زبان فارسی میانه به پسوندهای (اگ)، (یگ)، (وگ) ختم شوند. اما در فارسی نو واج /گ/ از پایان کلمات حذف می شود مانند (خانگ- خانه)، (داردگ- دارو)، (ترسوگ- ترسو). اما نوع دوم حذف همزمانی یا (ساختاری) می نامند، که تابع قواعد نظام صوتی زبان است حاکم بر ترتیب و ترکیب آواها در زنجیره گفتار می باشد، یعنی بر طبق قواعد کم کوشی در گفتار جاری شود، اما در نوشتار ظاهر نشود. به صورت کلی حذف قاعده متغیر است و در سبک رسمی معمولاً تلاش می کنند تا همه صداها ادا کنند، اما در سبک غیر رسمی فرایند حذف جاریست (رک، مدرسی، ۱۳۸۷: ۱۴۳-۱۴۴). رک، باقری، ۱۳۷۸: ۱۳۰-۱۳۱). در فرایند حذف ممکن است یک واج حذف شود مانند در کلمه (دستبند) /daštband/ که واج (ت)، /t/ حذف شود و به صورت /dasband/ تلفظ شود. همینطور ممکن است یک هجا حذف شود مانند کلمه بنشین /benešein/ که هجای دوم آنرا حذف شود و به صورت /bešein/ تلفظ شود (رک، افراشی، ۱۳۹۷: ۵۸-۵۹).

اما حذف در زبان عربی با کل انواع و صورتهای آن وجود دارد مثلاً کلمه (وَعَدَ) بر وزن فَعَلَ آمده است در حالیکه به مضارع صرف شود باید به (يُوْعِدُ) بر وزن يَفْعَلُ صورت گیرد، اما عرب آنرا به صورت (يَعِدُ) تلفظ می کنند. حرف عله واو در اینجا حذف

شده که این حذف یک فرایند مربوط به بافت است که حرف عله ساکن ما قبل مفتوح حذف شود (رک، حق بین، ۱۳۹۲: ۱۱۹).

## ۶- ابدال

رابطه ای بین دو آوا یا مجموعه آوایی معین که به صورت منظم بین دو رشته از شکل های مختلف همزیست جا به جا می شود. که این فرایند به حدود آوایی تعلق دارد. که تغییر این آواها جوهر ابدال می باشد. ابدال به وسیله قوانین دستوری سخن به میان آورد این قوانین ناشی از اتفاقی رویدادهای آوایی هستند، قوانین ابدال مثل همه قوانین همزمانی اصول ساده و آرایش واحدها به شمار می آید که هیچ وجه قاطعیت ندارد (رک، مدرسی، ۱۳۸۷: ۶).

هرگاه وقوع یک تغییر آوایی و نتوان آنرا در زیر یکی از فرایندهای قلب، حذف، همگونی، اضافه و ناهمگونی طبقه بندی کرد این تغییر آوایی را به عنوان ابدال معرفی شود (رک، افراشی، ۱۳۹۷: ۶۰).

یعنی اگر در یک کلمه یک واج به واج دیگر عوض شود، که آنرا در ضمن چهارچوب فرایندهای همگونی یا دگرگونی نباشد، این فرایند ابدال می نامند مانند تبدیل (ی) به (ر) در کلمات (شوی ← شور)، (جوی ← شور) یا تبدیل (د) به (ه) در کلمات (ماد ← ماه)، (سپاد ← سپاه) و غیر آنها (رک، باقری، ۱۳۷۸: ۱۳۲).

علمای قدیم به مسأله سنگین تلفظ و قانون کم کوشی توجه داشته اند، که آنرا یکی از عوامل تحول فرایندهای آوایی می دانند (رک،

حق بین، ۱۳۹۲: ۱۲۰). و علت این است که انسان بالطبع مایل است تا حد امکان از خستگی بکاهد و کمتر بکوشد حتی در بعضی احوال و قتیکه با یک آوا مستلزم صرف قوت عضلانی مواجه شود آن آوا با آوای دیگر که در ادای آن نیروی کمتر میل خواهد بدل کند(رک، مدرسی، ۱۳۸۷: ۷).

در خصوص علت و اساس وقوع ابدال، دانشمندان عرب در این زمینه نظرات مختلفی داشتند. گروهی اعتقاد دارند که ابدال بعلت اثر گذاری واجها با هم دیگر حاصل شود. یعنی آنرا به وسیله قوانین حاکم بر ترکیب واجها و هم آهنگی میان آنها جاری شود. مثلاً واج (س) ضعیف می‌دانند اگر در قبل واجهای (ق، خ، ع، غ، ط) می‌آید، به واج (ص) مبدل شود چونکه این واج قویتر و اصلی‌دانند، مانند کلمات (الصراط- الصراط) و (سقر- صقر) و (یساقون- یصاقون) و غیر آنها. ابن فرّاء برای ابدال این قاعده گذاشت که واج ضعیف به واج قوی مبدل شود اما عکس العمل جایز نباشد (رک، اللغوی، ۱۹۶۰: ۱۵).

گروهی دیگر معتقدند که ابدال بر اثر وجود نزدیکی بین مخارج واجها حاصل گردد، در قول نعمان بن منذر به حجل بن نصله [اردت ان تذیمه فمدهته] ابو العباس می‌گوید مراد از کلمه (مدهته) یعنی (مدحته) که بعلت نزدیکی مخرج واج (ح) به مخرج واج (ه) تبدیل شد(رک، بن یزید، ۲۰۱۶: ۹۷).

ابن جنی به همین عقیده می‌گوید که اصل وقوع فرایند ابدال میان واجها مانند (ذ، د، ط) و (ذ، ظ، ث) و (ه، ء) و (م، ن) و غیر اینها بعلت نزدیکی مخرج آنها حاصل گرداند(رک،

بن جنی، ۱۹۸۵: ۱۹۷).

ابن سیده فقط تبدیل‌هایی که بر طبق قواعد ابدالی جاری شده بود مانند ابدال میان (ع، ء)، (ه، ح)، (ق، ک)، (ث، ق)، (ب، م) ابدال صحیح می‌نامید. اما اگر نزدیکی میان مخارج واجها نباشد جایز نمی‌شود که آنرا باید از ابدال محسوب نباشد. مانند ابدال میان واجهای لبی و چاکنایی(رک، ابن سیده، ۱۳۲۰هـ: ۷۶).

صبحی صالح در پژوهش خود به عنوان (مظاهر الابدال فی کلام العرب) بر همین عقیده تأکید کرد(رک، صالح، ۲۰۰۹: ۵۱۲).

گروهی دیگر عقیده دارند که وجود تعدادی از لهجت‌های عربی منبع اساسی ابدال میدانند. ابن سکیت و ابو الطیب اللغوی تأکید می‌دهند که عرب بر تبدیل واج به واج دیگری متکی نیستند، ولی این فرایند بعلت وجود اختلاف لهجت‌ها حاصل گرداند چونکه همان قوم یک کلمه به دو صورت تلفظ نمی‌کنند، یعنی مثلاً یک کلمه گروهی از قوم به واج (س) و گروهی دیگر به واج (ص) تلفظ نمی‌کنند ولی کل قوم آن کلمه را به صورت ثابت تلفظ کنند(رک، اللغوی، ۱۹۶۰: ۱۲۰).

ابراهیم السامرائی بدین مفهوم می‌نماید که بعلت وجود تمایزها میان محیط‌های اقوام عرب لهجت‌های آنها متمایز شد بیشتری از این تمایزها در ضمن ابدال محسوب شده است(رک، السامرائی، ۱۹۸۱: ۱۱۵).

این نظرات و عقاید بر صامت‌ها و مصوت‌ها به همین صورت جاری شد. یعنی ممکن است فتحه به کسره بدل شود یا عکس العمل باشد یا همین تبدیل ضمه به کسره مانند کلمه (مُریة) در زبان تمیم به ضم اول تلفظ شود اما در زبان

اهل حجاز (مريّة) به كسر اول تلفظ شود (رك, السيوطي, ۲۰۱۴: ۲۷۶). همين طوور ابدال ميان مصوتهاى بلند (ا, و, ي) جارى شود مانند (حكوت- حكيت), (نقاوة- نقاية) كه ابدال ميان (و, ي) حاصل گردد. يا كلمات (اجاد- اجود), (تاحم- توحم) كه ابدال ميان (ا, ا) حاصل گرداند (رك, اللغوى, ۱۹۶۰: ۴۹۶). به همين شكل ابدال ميان مصوت کوتاه و مصوت بلند جارى شود كه در گفتار اهل تميم (صوم و نوم) مى گویند, چونكه (و) به منزله ادامه (ضمه) بشمار مى روند. اما اهل حجاز (صيم و نيم) مى گویند, چونكه (ي) به منزله ادامه (كسره) ميدانند (رك, السيوطي, ۲۰۱۴: ۲۷۶).

### ابدال در لهجه عراقى

به هر حال فرآيند ابدال به صورتهای مختلف در بيشترى از كلمات اين لهجه ظاهر گردد, بايد يادداشت شود كه روش بررسى تقابلى در ضمن محدوده همزمانى به عمل مى آيد لذا پژوهنده فرآيند ابدال در لهجه عراقى به صورت امروزي آن بررسى و تحليل مى كند و بدون هيچ توجهى به ريشه تاريخى آن يادداشت كند.

۱- ابدال ميان دو واج (س, ص) /s, ʃ/ در لهجه عراقى وقتيكه در بعضى كلمات اگر واج (س) /s/ به صورت مستقيم يا غير مستقيم قبل از واجهاى (ط, غ, ق, خ) /t, ʃ, x, k/ قرار دارد, واج (س) /s/ به واج (ص) /ʃ/ مبدل شود يعنى بر طبق قاعده اين فرآء جارى گردد. مانند ابدال در

كلمات (سراط ← صراط) /tʃerâ ← ʃerâ/ , (بسطة ← بصطة) /eʃba ← eʃbas/ , (بساط ← بصاط) /tâʃbe ← tâʃbes/ , (سخام ← سخام) /soxâm oxâmʃ/ . بايد تبصره كنيم كه در زبان فارسى عكس العمل جارى شود چونكه واج (ص) به صورت (س) تلفظ شود و هر دو با يك نشانه آوايى (s) مشتركند.

۲- ابدال ميان دو واج (ذ, ظ) /ð, d/ در بعضى كلمات لهجه عراقى واج (ذ) /ð/ به صورت ضخيم تلفظ شود تا به صورت واج (ظ) /d/ مى آيد مانند در كلمات (ذخر) /oxrð/ كه به صورت (ظخر) /oxrd/ تلفظ كنند, يا همين طور در كلمات (ذرق ← ظرگ) /argð ← arGð/ , (ذاق ← ظاگ) /âGð ← âgð/ . بايد توضيح شود كه در زبان فارسى هر دو واج (ذ, ظ) آوايى خاصى نداشتند و به آوايى واج (ز) تلفظ كنند و به نشانه آوايى خود (z) در واج نگارى اين دو واج مى نويسند.

۳- ابدال واج (ج) /dʒ/ به وجهائى (ي, ژ), /y. I.. aI, Ž/ در لهجه عراقى واج (ج) /dʒ/ در چند صورت جارى گردد يعنى گاهي احوال با واج (ي) /y. I.. aI/ مبدل شود مانند كلمات (جار ← يار) /dʒâr ← yâr/ , (دجاجة ← ديايئة) /dedʒâdʒe deyâye/ , (شجره ← شيره) /šadʒare ← šayare/ . يا همين كلمات واج (ج) /dʒ/ به واج (ژ) /Ž/ مبدل شود (جار ← ژار) /dʒâr ← dârŽ/ , (دجاجة ← دژاثة) /âdʒe ← dedʒâdʒe/ , (شجره ← شژره) /eŽâŽde ← šadʒare/ . بايد توضيح شود كه واج (ژ) /Ž/ از

واجهای زبان عربی اصلی به شمار نمی رود و لی در لهجه عراقی بکار می برند.

۴- ابدال میان دو واج (ق, گ) /G, g/ واج (گ) /g/ از واجهای اصلی عربی بشمار نمی رود اما در لهجه عراقی در بعضی کلمات به جای واج (ق) /G// مبدل شود مانند (صقر ← صگر) /aGrš ← šagr/ , (قهوة ← گهوه) /Gahwe ← gahwe/ , (قال ← گال) /Gâl ← gâl/ در موارد دیگری ممکن است در تلفظ واج (ق) /G// به واج (ک) /k/ مبدل شود مانند کلمه (وقت ← وکت) /waGt ← waket/

۵- ابدال میان دو واج (ق, ج) /G, d<sup>3</sup>/ در بعضی کلمات لهجه عراقی واج (ج) //d<sup>3</sup>/ به واج (ق) /G/ مبدل گرداند مانند کلمات (قدر ← جدر) /Gedr ← d<sup>3</sup>eder/ , (قاعد ← جاعد) /ed<sup>3</sup>d<sup>3</sup>â<sup>2</sup>ed ← Gâ/ , (یتجاسمون ← یتجاسمون) /yataGâsamun/ ← yetd<sup>3</sup>âsemun/.

۶- ابدال میان دو واج (ک, چ) /g, ĉ/ واج (چ) /ĉ/ از واجهای اصلی زبان عربی نیست اما در لهجه عراقی آنرا لفظ کنند. در بعضی احوال واج (ک) /g/ به واج (چ) /ĉ/ مبدل شود مانند کلمات (کلب ← چلب) /Kâl ← ânĉ/ , (کتف ← چتف) /Kâtef ← etefĉ/ , حتی در بعضی حالات جمع, ابدال میان این دو واج به همین طور جاری شود مانند کلمات (دیک ← دیچ) /ĉdi/ و جمع آن در زبان عربی مقیاس (دیوک) /diwk/ که به لهجه عراقی به شکل (دیوچ) /ĉdiw/ ملفوظ شود. این ابدال حتی بر (کاف) مخاطب در

حال مؤنث حاصل شود مانند کلمات (ابوک ← ابوچ) /'abŪĉ/ ← 'abŪk/ , (دفترک ← دفترچ) /daftareĉ/ ← daftarek/ , اما در حالیکه واج (ک) /g/ مجاور و صوتهای بلند می آید بهمین صورت باقی ماند و به واج (چ) /ĉ/ مبدل نشود مانند کلمات (اکید, حکیم, سکوت).

۷- ابدال میان دو واج (ق, غ) /G, B/ در اینجا نکته مهمی که در لهجه عراقی ابدال میان دو واج (ق, غ) /G, B/ به صورت دو سویه حاصل گردد, یعنی در بعضی اوقات واج (ق) /G/ به واج (غ) /B/ مبدل شود مانند کلمات (قرآن ← قرآن) /Gor'ân ← Gor'ân/ , (قصر ← غصر) /Gaşr ← Gaşr/ , (قریة ← غریة) /kaşer ← Gaşer/ , اما در حالات دیگر ابدال به عکس العمل جاری شود یعنی واج (غ) /B/ به واج (ق) /G/ تبدیل کنند. مانند در کلمات (غرفة ← قرفة) /Gorfe ← korfe/ , (صغیر ← صقیر) /şavir ← şegir/ , (غالی ← قالی) /kâl ← Gâli/ . در این مورد باید تبصره شود, هم آنکه در مورد قبل ذکر شده که در زبان فارسی هر دو (ق, غ) بمنزله یک واج تلفظ کنند و آنها را با نشانه آوایی /q/ مشترکند.

۸- ابدال میان دو واج (ع, ع) /?, ' / عراقیان در بعضی کلمات واج (ع) /' / به واج (ع) /? / تبدیل کنند مانند (قرآن ← قرعان) /Gor'an ← Gor'ân/ , (جرأة ← جرعة) /d<sup>3</sup>or'e d<sup>3</sup>or'e ← / , (قراءة ← قراعة) /Garâ'e Garâ'e ← / , در زبان فارسی این فرایند عکس العمل جاری شود چون فارسی

زبانان (ع) به آوای (ء) تلفظ کنند و در واج نگاری هر دو با نشانه آوایی /ʔ/ می نویسند. مانند کلمات (عرب) /ʔrab/, (عالی) /ʔali/, (معلم) /moʔallem/.

۹- ابدال میان دو واج (ع, ن) /ʔ, n/ در فعل (اعطی) /eʔtâ/ و تصریف آن, واج (ع) /ʔ/ قبل از واج (ط) /t/ می آید, در لهجه عراقی واج (ع) /ʔ/ به واج (ن) /n/ تبدیل شود و آن را به صورت (انطی) /entâ/ تلفظ کنند. این تبدل بر همه تصریفات این فعل جاری شود.

۱۰- ابدال میان دو واج (ج, ش) /š, dʒ/ در گفتار عراقی وقتیکه بعضی کلمات تلفظ کنند واج (ج) /dʒ/ به واج (ش) /š/ تبدیل کنند مانند (مجمع ← مشتعم) /moštamaʔ ← modʒtamaʔ/ (مجتبی ← مشتبی) /moštabâ ← modʒtabâ/ ممکن است همین کلمات در بعضی احوال واج (ج) /dʒ/ به واج (ژ) /ž/ تبدیل شود. (مجمع ← مژتمع) /možtamaʔ ← modʒtamaʔ/ (مجتبی ← مژتبی) /možtabâ ← modʒtabâ/.

۱۱- صورتهای واج (ء) /ʔ/ در لهجه عراقی

در لهجه عراقیان واج (ء) /ʔ/ به صورتهای گوناگونی دیده می شود, یعنی در حالیکه ساکن می باشد و قبل از آن یک واج صامت با مصوت کوتاه می آیند؛ در این حالت همزه به دو صورت باشد؛ اول همزه به همان حال خود می ماند و در کلمات ملفوظ شود مانند کلمات (لؤم, شووم, سأل, نبأ, فنة,

ثئت) , اما در شکل دوم همزه در بعضی کلمات حذف شود یا به به مصوت بلند هم جنس واکه کوتاه همنشین خود مبدل شود مانند (مؤمن ← مومن) /mü'men ← mü'men/, (یواخذ ← یواخذ) /yü'âxð ← yüâxð/, (کأس ← کاس) /ka's ← kâs/, (فأس ← فاس) /fa's ← fâs/, (یأکل ← یاکل) /ya'kol ← yâkol/, (قاری ← قاری) /Gâre' ← Gâri/, (ذئب ← ذیب) /ðe'b ← ðib/.

همزه اگر به صورت متحرک آمده است بر طبق این روند هم جاری گردد, که ممکن است در گاهی احوال آنرا باقی ماند و ملفوظ شود مانند کلمات (میکائیل, صائبة, اسأل) یا آنرا به یکی از مصوتهای بلند مبدل شود مانند کلمات (عباءة ← عبایة) /abâ'e ← abâye/, (تثائب ← تثاوب) /â'abθ ← ta âübθta/, (أرث ← ورث) /ar θwr ← θ/.

بدین رو دیده میشود که لهجه عراقی زیر تأثر شدیدی فرایند ابدال قرار دارد. که آنرا به صورتهای گوناگونی حاصل گردد. در این زمینه پژوهنده برجسته ترین اشکال ابدال گرفت و آنرا زیر تحلیل و مقایسه گذاشت تا نکات بالایی بدین صورت ثبت کرد.

### نتیجه گیری

۱- روش تولید و ادای آن در استفاده از کلمات یک زبان, یکی از صفات اساسی ایجاد تمایز میان این لهجه و لهجات دیگری یا با زبان اصلی, که این برجسته ترین عوامل

ایجاد تمایز بین لهجات بشمار می رود.

## فهرست منابع

### - القرآن الکریم

### - منابع فارسی

۱- از واج تا جمله، دکتر فاطمه مدرسی، انتشارات چاپار، تهران ۱۳۸۷.

۲- آوا شناسی (فونتیک)، محمد علی حق شناس، چاپ دهم، انتشارات آگاه، تهران، ۱۳۸۴

۳- دستور زبان فارسی از دیدگاه رده شناسی، شهرزاد ماهوتیان، ترجمه سید مهدی سمائی، چاپ اول، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۸.

۴- زبان شناسی ایرانی، دکتر فریده حق بین، نشر مرکز، چاپ اول، تهران، ۱۳۹۲.

۵- ساخت زبان فارسی، دکتر ازیتا افراشی، چاپ دوازدهم، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۹۷

۶- مبانی زبان شناسی، ابو الحسن نجفی، چاپ نهم، نشر نیلوفر، تهران، ۱۳۷۳.

۷- مقدمات زبان شناسی، دکتر مهری باقری، نشر قطره، تهران، ۱۳۷۸.

### منابع عربی

۱- الابدال، ابو الطیب اللغوی، تحقیق عز الدین التنوخی، نشر مطبوعات المجمع العربی، دمشق، ۱۹۶۰

۲- الابدال، ابو الطیب اللغوی، تحقیق عز الدین التنوخی، نشر مطبوعات المجمع

۲- خط نگاران قدیم عرب در اول

تمایزی بین صورت مکتوب بعنوان حرف و صورت ملفوظ بعنوان صوت نداشتند.

۳- با تغییرات اندکی خط فارسی از خط عربی گرفته شده و از راست به چپ می نویسد خط فارسی بدون همزه سی و دو حرف دارد که بیست و هشت حرف از آن عربی هستند.

۴- در زبان عربی همزه در اول، وسط و آخر کلمه ها را قرار میگیرد، و آنرا با صدای مجزا تلفظ می شود.

۵- همزه در میان و پایان کلمه نقش ممیزی دارد و فرقی با صامتهای دیگر زبان فارسی ندارد. اما همزه آغازی در زبان فارسی نقش مرز نمای بازی می کند و نقش ممیزی ندارد.

۶- هجا از ترکیب یک مصوت با یک یا چند صامت حاصل شود تعداد هجاهای کلمه با مقدار مصوتهای آن محسوب شود.

۷- هجا در زبان عربی، وصف انواع و تعداد آن به صورت کلی مطابق هجا در زبان فارسی آمده است.

۸- حروفی که در لهجه عراقی بکار می برند با حساب همزه سی و سه حرف هستند هر یکی از این حروف یک صدای مجزا و بصورت واج خاصی محسوب شود. بصورت دقیق این حروف هجا حاوی دو گروه هجایی عربی و فارسی.

العربي، دمشق، ١٩٦٠.

- ٣- التشكيل الصوتي في اللغة العربية، الدكتور سليمان حسن العافي، الطبعة الاولى، نشر النادي الادبي الثقافي، المملكة العربية السعودية، جده، ١٩٨٣.
- ٤- التطور اللغوي التاريخي، إبراهيم السامرائي، الطبعة الثانية، نشر دار الأندلس، بيروت، ١٩٨١.
- ٥- التطور اللغوي مظاهره علله و قوانينه، الدكتور رمضان عبد التواب، الطبعة الثانية، نشر مكتبة الخانجي، القاهرة، ١٩٩٧.
- ٦- دراسات في فقه اللغة، صبحي صالح، الطبعة التاسعة، بيروت، ٢٠٠٩.
- ٧- دراسة الصوت اللغوي، الدكتور احمد مختار، الطبعة الرابعة، نشر علم الكتب، القاهرة، ٢٠٠٦.
- ٨- سر صناعة الإعراب، أبو الفتح عثمان بن جني، تحقيق دحسن هندأوي، الطبعة الاولى، نشر دار القلم، دمشق، ١٩٨٥م
- ٩- في اللهجات العربية، دكتور ابراهيم انيس، الطبعة الثامنة، نشر مكتبة الانجلو المصرية، القاهرة، ١٩٩٢.
- ١٠- الكامل في اللغة و الأدب، أبو العباس محمد بن يزى، نشر مكتبة المعارف، بيروت، ٢٠١٦.
- ١١- المخصص، أبو الحسن علي بن إسماعيل ابن سيدة، نشر الأميرية، بيروت، ١٣٢٠هـ.
- ١٢- المدخل الى علم اللغة، الدكتور رمضان عبد التواب، نشر مكتبة المتنبى، المملكة العربية السعودية، الدمام، ١٤٣٣هـ.
- ١٣- المزهري في علوم اللغة و أنواعها، جلال الدين السيوطي، صححه محمد جادى المولى وآخرون، دار الفكر للطباعة و النشر، بيروت، ٢٠١٤.
- ١٤- ملامح اللهجة النجفية، الدكتور عباس الترجمان، الطبعة الاولى، نشر دار الاضواء، ٢٠٠٢.